

بازخوانی میدان صاحب آباد از روی تصاویرشاردن

و مطراچی براساس متون تاریخی (از شکل گیری تا دوره صفویه)

دکتر پیروز حناچی* - احد نژاد ابراهیمی سردرود**

تاریخ دریافت مقاله: ۸۴/۱۰/۱۹

تاریخ پذیرش نهایی: ۸۴/۱۲/۶

چکیده:

مجموعه صاحب آباد تبریز که بقایای باقیمانده آن امروز به نام مجموعه صاحب الامر معروف گشته است از مجموعه‌های تاریخی و ارزشمند ایران می‌باشد طبق بررسی‌های انجام شده این مجموعه مدت چهار قرن مرکز حکومت ایران و مقر فرماندهی پادشاهانی چون جهانشاه، اوزون حسن، شاه اسماعیل و شاه طهماسب بوده است، اما امروزه تنها نام و یاد این مجموعه نفیس باقیمانده و تغییرات به وجود آمده در طول تاریخ باعث کاستن از شکوه و عظمت آن شده است. شروع ساخت این مجموعه به دوره آباقاخان (ایلخان مغول) در زمان صدارت شیخ محمد جوینی، وزیر کبیر وی، برمی‌گردد. با ساخته شدن این مجموعه روند گسترش شهر تبریز به سمت شمال رودخانه مهران رود کشیده می‌شود. بعدها در دوره جهانشاه دارالحکومه از محله ششگلان به این مجموعه انتقال داده می‌شود و از آن تاریخ تا زمان شاه طهماسب که پایتخت از تبریز به قزوین انتقال داده شد.

واژه های کلیدی:

حسن پادشاه، صاحب آباد، صاحب الامر، هشت بهشت، تبریز.

E-mail: Hanachee@ut.ac.ir

E-mail: A_ebrahimi_s@yahoo.com

* استادیار دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.

**عضو هیات علمی دانشگاه هنر اسلامی تبریز.

وگسترش یافت. ساخته شدن این میدان به نبود چندین قرن فضای باز شهری در سیستم شهرسازی در شهرهای ایران پایان داد و فضای میدان با شکل وفرم جدید را وارد شهرهای ایرانی کرد. هرچند میدان کنونی صاحب آباد بسیار کوچک تر از میدانی است که در متون تاریخی ذکر شده است و میدان مورد ادعای سیاحان ونویسندگان آن چیزی نیست که در حال حاضر قابل ملاحظه است؛ اما اینکه میدان اصلی چه بوده وچه عناصری در کنار آن وجود داشته وابعاد، اندازه، شکل وفرم آن چگونه می توانسته باشد، سوالاتی است که باید برای آنها پاسخ پیدا کرد.

میدان امروزه به عنوان یکی از عناصر مهم شهری با شکل وفرم های مختلفی طراحی واجرا می گردد که طراحان کارکردها و کاربری های مختلفی در تعامل بامحیط خلق می کنند، هرچند تا پیش از قرن نهم هجری واژه میدان در ادبیات ایرانی واژه هایی چون میدان رزم ویزم، میدان جنگ وجدال و... داریم اما با شکل گیری فضاهایی همچون میدان نقش جهان اصفهان، میدان گنجعلی خان کرمان، میدان خان یزد و... میدان به صورت عنصری قوی وارد عرصه های اجتماعی - سیاسی و اقتصادی و... ایران گردید.

میدان صاحب آباد یکی از میدانی اولیه ایران بود که باکارکرد نظامی وبه خاطر سان دیدن حسن پادشاه از لشکریان خود به وجود آمد و در دوره های بعدی رشد

مجموعه صاحب آباد در دوره حکومت ترکمانان قویونلو

جهانشاه پس از به قدرت رسیدن تصمیم می گیرد که دولتخانه خود را از محله ششگلان به باغ صاحب آباد انتقال دهد. اینکه جهانشاه به این مهم دست می زند دلایل مختلفی می توانسته داشته باشد. اولاً مکان و محیط آمادگی لازم را برای استقرار مرکزیت حکومت را داشته است. چرا که در متون تاریخ اشاره ای به ساخت و ساز جهانشاه در این مجموعه نشده است و جهانشاه بنای شاخصی در مجموعه باغ صاحب آباد به وجود نیاورده است. اما مدت سه دهه در این مکان حکومت کرده است؛ این می تواند به دلایل امنیتی باشد چرا که باغ صاحب آباد از نظر قرارگیری در محیط طبیعی در میان دو عامل دفاعی طبیعی قرار دارد حاشیه جنوبی به وسیله رودخانه و حاشیه شمالی به وسیله کوه محافظت می گردد و این می تواند نکته بسیار قابل توجهی در انتخاب این مکان به عنوان مرکز حکومت محسوب شود.

« در محله شش گلان موضعی است مشهور به دولتخانه کهنه ... گویا سلاطینی که پیش از جهانشاه پادشاه بوده اند آنجا منزل داشته اند جهانشاه دولتخانه را اینجا آورده، این باغی بوده موسوم به صاحب آباد منسوب به صاحب سعید شهید خواجه شمس الدین محمد جوینی صاحب دیوان ممالک ... » (ابن کربلایی، ۱۳۸۳، ۴۷۰).

آباخان اولین شخصی از ایلخانان مغول بود که پایتخت امپراتوری خود را از مراغه به تبریز انتقال داد. وی نیز به کاخ سازی در فضاهای باز و سرسبز علاقه زیادی داشت، در زمان او اداره امور کشوری به دست کارمندان حرفه ای باقیمانده از زمان هلاکو باقی ماند. یکی از این کارمندان یا در اصل خانواده های ذی نفوذ در دستگاه حکومتی آباخان و ایلخانان مغول خاندان جوینی بود.

پرنفوذترین این خاندان شخصی به نام شیخ محمد جوینی بود که وزیر دربار آباخان و پسران او بود. احداث باغ صاحب آباد در شمال رودخانه شهر و در اصل در ضلع شمالی شهر تبریز را به این شخص نسبت می دهند. از جمله قدیمی ترین متونی که به این مسئله اشاره داشته است روضات الجنان و جنات الجنان است: « ... جهانشاه دولتخانه را اینجا آورده، این باغی بوده موسوم به صاحب آباد منسوب به صاحب سعید شهید خواجه شمس الدین محمد جوینی صاحب دیوان ممالک ... » (ابن کربلایی، ۱۳۸۳، ۴۷۰).

پس اینگونه مشخص می گردد که ساختمان باغ به دست شیخ احداث شده، اما جای تأسف و تعجب است که عمارت و ساختمان آن در متون تاریخی توصیف نگردیده است. ساخت این باغ باعث گردید که توسعه های بعدی شهر در شمال رودخانه مهران رود متمرکز گردید.

ظاهراً باغ نصریه به نام باغ زاویه حسن پادشاه نیز معروف بوده است و در دوره حکومت ترکمانان باغ صاحب آباد به این نامها معروف می‌گردند.

در مورد دیگر بناهای ساخته شده در اطراف میدان حسن پادشاه دو نظریه مختلف وجود دارد. نظریه اول این است که اوزون حسن در هنگام مرگ و زمانی که در بستر بیماری بود به یکی از معتمدین خود سفارش می‌کند که بر او مسجد و مدرسه‌ای به رسم ماندگاری بسازد و وی بعد از فوت حسن پادشاه این بناها را می‌سازد.

نظریه دیگر در مورد این است که بناها در زمان حیات حسن پادشاه شروع شده و بعد از مرگ اوزون حسن در زمان جانشینانش تکمیل شده است مرحوم ذکاء در این بناها نوشته است:

« دو بنا در تبریز به ابوالنصر حسن بایندری منسوب است یکی به نام مدرسه نصریه یا مسجد حسن پادشاه و دیگر قیصریه که گویا هر دو در زمان زنده بودن او پایه‌گذاری شده و پس از مرگ او به دست جانشینانش پایان یافته است» (ذکاء، ۱۳۶۴، ۱۸۶).

حاجی خلیفه در کتاب جهان نما درباره مسجد حسن پادشاه می‌نویسد: « جامع سلطان حسن که از بناهای اوزون حسن پادشاه آق قویونلو و به طرز جوامع سلاطین با سنگ تراش و سرب ساخته شده بنای متین و با شکوهی است. در کنار صفت محراب یک قطعه مرمر بلغمی بزرگ به طول و عرض چند ذراع به دیوار نصب شده و جامع را رونق بخشیده است. سنگ مرمر مزبور از نوادر دهر به شمار می‌رود و در جوامع دیگر نظیر آن دیده نشده است، اسماء چهار یار که در سر درب آن حک شده از طرف قزلباش‌ها پاک و فقط به نام علی ابقاء گردیده است» (مجله معلم امروز، ش ۵، س ۲، ص ۱۹۱).

اولیاء چلبی که به سال ۱۰۵۰ هـ. ق. از این مسجد دیدن کرده می‌نویسد: « این مسجد را سلطان حسن آق قویونلو بنا کرده است. وی در جنگ با سلطان ابوالفتح محمد خان ثانی شکست خورده به تبریز بازگشت همانجا درگذشت و در نزدیک این مسجد به خاک سپرده شد. بنای این مسجد یکی از شاهکارهای هنر معماری است. گنبدهای آن همه کاشیکاری شده و از چهارسو دارای منافذی هستند که با سنگ های نجفی (مرمرین) مزین و مشعش گردیده‌اند. روی هر چهار دیوار این مسجد بزرگ را اسلیمی‌ها، ترنج‌ها، گل و بوته‌های گوناگون و کتیبه‌های متعدد حجاری و گچ‌بری شده، زینت بخشیده‌اند. این نقوش و کتیبه‌ها نمونه‌ای از مهارت و استادی هنرمندانی است که روزگاری در ایجاد آنها صرف کرده‌اند. بالای درها و پنجره‌ها نیز نبشته‌هایی با خط ثلث جلی وجود دارد که بی‌شبهت به خط زیبای یاقوت مستعصمی نیست، در طرفین محراب این مسجد دو پارچه ستون سنگی زردرنگ قرار داده‌اند که بهای آنها بدون مبالغه با خراج ایران و توران برابری می‌کند، گویا اینها کهرباست و نظیرشان در هیچ جای دنیا پیدا نمی‌شود» (ذکاء، ۱۳۶۴، ۱۸۷).

بعد از کشته شدن جهانشاه قراقویونلو به دست اوزون حسن آق قویونلو، حسن پادشاه و اولاد و احفادش در همین دولتخانه جدید بر کرسی قدرت نشستند. پیش از انتخاب کردن تبریز به عنوان مقر حکومتی خود، حسن پادشاه مدتی را در شهر دیاربکر (آمد) حکومت می‌کرد و در سال ۸۷۳ هجری قمری پایتختی خود را از آمد به تبریز انتقال داد.

محدوده زمانی حکومت حسن پادشاه با شکل‌گیری حکومت عثمانی در غرب مصادف بود و حکومت‌های غربی در صدد یافتن فردی مقتدر و جنگجو برای مقابله با قدرت روز افزون حکومت عثمانی بودند و اوزون حسن بهترین گزینه برای این کار بود به همین خاطر توجه به امور نظامی در رأس برنامه‌های اوزون حسن بود. والتر هینتس حسن پادشاه را یکی از مقتدرترین فرمانروایان شرق نزدیک معرفی می‌کند وی اصلاً ایرانی نبود ولی مدت ده سال بر نواحی مختلف ایران حکومت کرد. توجه به امور نظامی باعث شد که حسن پادشاه میدان وسیع در مقابل باغ صاحب آباد برای سان دیدن از لشکریان خود به وجود آورد. البته شروع اینگونه میدان سازی از شهر آمد پایتخت اول حسن پادشاه می‌دانند.

« با این اعتبار می‌توان از سه قرن نبود سازمان تولیدی، سازمان دیوانی، سازمان شهری، سازمان فضایی و سازمان کالبدی در سیر تحول شهرگرایی و شهرنشینی در ایران نام برد. با وجود اینکه از دیدگاه معماری و هنری شاهکارهای بی‌بدیلی در این دوران خلق شده‌اند و گو اینکه الگوهای کهن شهرسازی مورد بازنگری و ابداع مجدد واقع شده‌اند (مجموعه امیر چخماق در یزد و میدان حسن پادشاه و مجموعه اطراف آن در تبریز) و نشان از حفظ و نگهداری و زنده بودن سنت های شهرنشینی و شهرسازی دارند ولی بدان علت که مواردی بیش نیستند، نمی‌توان از زندگی شهری و فضای گسترده آن صحبت داشت» (حیبی، ۱۳۷۸، ۸۶).

از دیگر بناهایی که در اطراف میدان صاحب آباد به حسن پادشاه نسبت می‌دهند و احتمالاً در زمان حیات وی ساخته شده باغ زاویه حسن پادشاه یا نصریه است در متون آمده که این باغ در کنار میدان صاحب آباد بوده ولی اینکه در کجای میدان و کدام ضلع آن بود خبری در متون نیست اما در نزدیکی بازارچه شتربان ذکر شده است:

« مزار پیر رومی که از اجله اولیاست و آثار انوار از آن مزار در نظر اولوالابصار تابان است قریب به بازارچه شتربان در عقب باغ زاویه حسن پادشاه واقع شده، وی عارفی بوده در نهایت کمال و به غایت حسن حال، و الله اعلم» (حشری، ۱۳۷۱، ۸۵).

در مورد مزار پیر رومی مطلب دیگر اینکه مزار پیر رومی در عقب باغ نصریه ذکر گردیده و در روضات الجنان و جنات الجنان ابن کربلایی مقبره وی را اینچنین بیان کرده است:

« ... و همچنین در عقب باغ نصریه به جانب شمال مقبره ایست مشهور به پیر رومی در درآمد آن درگاهی است از سنگ به خط عبدالله صیرفی ... » (ابن کربلایی، ۱۳۸۳، ۵۲۷).

« این مسجد جلوخان زیبایی دارد که کاشی کاری آن در نهایت ظرافت و هنرمندی به عمل آمده است. ازاره و اطراف درب آن از مرمر خوش رنگی حجاری شده و در آن مرغ ها و گل ها و بوته‌های به هم آمیخته که بی شباهت به اسلوب ایتالیایی نیست تعبیه گردیده. درب سنگی این مسجد مرمر یک پارچه ضخیم صورتی رنگ است که حجاری آن نیز ظرافت و عظمتی دارد این در به دالانی باز می‌شود که راهی به حیاط مربع وسیعی دارد و می‌توان با گذشتن از زیر سه طاق بزرگ وارد مسجد شد. در قسمت جلو مسجد دو برج مزین به کاشی قرار گرفته و داخل مسجد در قسمت وسط گنبد وسیع و بلندی دارد که از پارچه‌های مرمر سفید حجاری شده و به طلا و لاجورد و مرصع است. ظریف‌ترین و قشنگ‌ترین طرح‌ها آرابسک در آرایش این مسجد دیده می‌شود، محراب زیبا و مجللی دارد که مردم هنگام نماز رو به آن می‌ایستند. در اطراف درهایی وجود دارد که به حجره‌های متعدد متصلند. ایوان یا رواقی در دور تا دور طبقه فوقانی تعبیه شده که هر طرف سه ستون زیبای سنگی دارد. ولی معلوم نیست چرا این ستون‌ها با هم برابر نیستند و ستون‌هایی که در طرف مغرب و مشرق قرار گرفته‌اند متساوی و کوتاه‌تر از شش ستون دیگر شمال و جنوبی می‌باشد. دیوارهای مسجد از مرمر کبود بسیار نفیس و قیمتی پوشیده شده. منبر پانزده پله‌یی مسجد از چوب گردو ساخته شده و منبرکاری ظریفی دارد...» (ذکاء، ۱۳۶۴، ۱۸۷).

بعد از اوزون حسن مدتی سلطان خلیل بر مسند قدرت تکیه داد ولی زمانی نگذشت که با برادرش یعقوب به جنگ و جدال برخاسته و از او شکست خورد و یعقوب در سال ۸۸۳ هـ. ق بر تخت سلطنت نشست و مدتی دوازده سال حاکم تبریز و ایران بود و در زمان حکومت او آرامش نسبی بر امور جاریه مملکتی مستولی گشت و هنرمندان و نویسندگان و اندیشمندان فرصتی مناسب برای اعاده فضل و حضور پیدا کردند و فعالیت‌های هنری و اجتماعی خوبی در این دوره دوازده ساله شکل گرفت مرحوم ذکاء ضمن معرفی آثار دوره حکومت ترکمانان سلطان یعقوب را این چنین توصیف می‌کند:

« سلطان یعقوب مردی با ذوق و دوستار دانش و فرهنگ و هنر بود و کتابخانه بسیار معتبری از کتاب‌های دست‌نوشته و مصور داشت و در دربار او در تبریز هنرمندانی فراوان به کار مشغول بودند. وی به سال ۸۸۸ هـ. ق طرح کاخی را در تبریز در همان باغ صاحب‌آباد انداخت که در تشبیه به روضه‌های هشتگانه جنت، به نام هشت بهشت نامیده شد» (ذکاء، ۱۳۶۴، ۱۸۸).

یکی از سیاحان که در زمان شاه اسماعیل به تبریز آمده و از مجموعه حسن پادشاه دیدار کرده است بازرگان گمنام ونیزی است وی در بخشی از سفرنامه خود مسجد و بیمارستان را در کنار میدان وصف می‌کند: «فاصله این در از کاخ سلطنتی بیشتر از فاصله دیگر درهاست و از این نقطه منظره با شکوه میدان دیده می‌شود با مسجد و بیمارستانی که در آن ساخته‌اند و پیش از این نام برده‌ام. این مسجد که سلطان حسن بیگ ساخته است بسیار بزرگ است و دارای اطاق‌های بسیاری است که با گچ و طلا و نیل تزیین کرده‌اند.

این بیمارستان یا مارستان نیز بزرگ و دارای بناهای بسیار است و حتی داخل آن را زیباتر از مسجد آراسته‌اند. بسیاری تالارهای بزرگ دارد که درست به اندازه اوست مفروش کرده‌اند. میان بیمارستان و مسجد فقط دیواری کشیده‌اند و خارج از بیمارستان از یک سو تا سوی دیگر مصطبه‌ای ساخته‌اند که ارتفاعش یک زراع و پهنایش دو یارد است. زنجیری آهنین نیز از یک سو تا سوی دیگر گرداگرد مصطبه کشیده بودند تا آب وارد مسجد و بیمارستان و مصطبه نگردد. در دوران پادشاهی حسن بیگ و سلطان یعقوب بیش از هزار تن از بینوایان در بیمارستان بسر می‌بردند و زنجیر را تا زمان مرگ سلطان یعقوب نگهداری می‌کردند. و سپس ترکمانان آن را برداشتند. تمام این ساختمان‌ها را حسن بیگ بزرگ ساخته است» (بازرگان ونیزی، ۱۳۴۹، ۳۹۲).

با توجه به توصیف این بازرگان ونیزی اینگونه به نظر می‌رسد که بنای مورد مشاهده او بیمارستان نبود و باید دارالمساکین بوده باشد چرا که وی نیز ذکر می‌کند که بسیاری از بینوایان در آنجا ساکن بودند.

غیر از مسجد و بیمارستان این بازرگان ونیزی از عمارتی در حاشیه میدان و مشرف به آن نام می‌برد که در مواقع سان دیدن از لشکریان حسن پادشاه و امیران او در آنجا مستقر می‌شدند و به تماشای لشکریان و مراسمات خاصی می‌نشستند: «در دیگری که در سمت مشرق است در میدانی بزرگ قرار دارد و به باغ باز می‌شود. این در دیواری آجری به شکل طاق دارد که ارتفاعش سه یارد و پهنایش دو یارد است. خالی از تزیینات است و فقط آن را با گچ سفید کرده‌اند و در میانش چشمه بزرگ زیبایی دیده می‌شود. روی این در ساختمانی بزرگ با اطاق‌های بسیار و تالار سرپوشیده‌ای ساخته‌اند که مشرف به باغ است. در طرفی که رو به میدان است ایوانی گرد دیده می‌شود به رنگ سفید، چنان سفید که از هر چه در عمر خود دیده‌ام سفیدتر است. هر وقت مراسم جشن در این میدان برپا می‌شد حسن بیگ با بسیاری از امیران خود به این عمارت می‌آمدند و غالباً هنگامی که سفیران به درگاه اوزون حسن می‌آمدند ایشان را در این ساختمان جای می‌دادند زیرا جایی است بسیار نیکو و دارای اطاق‌های فراوان» (بازرگان ونیزی، ۱۳۴۹، ۳۹۱).

یکی دیگر از سیاحان ونیزی شخصی به نام جیملی کاردی در دیداری از مسجد حسن پادشاه داشته است آن را اینگونه توصیف کرده است:

یک « پیاز » است. در جلو هر یک از درهای کاخ راهی با مرمر سنگفرش کرده‌اند که به صفت منتهی می‌شود. در جلو در اصلی کاخ پلکانی کوچک از بهترین مرمرها ساخته‌اند که از آن به صفت می‌روند و این پلکان را از مرمر اعلا ساخته‌اند و در مرکز صفت جوی آبی با مهارت در دل سنگ های مرمر تراشیده‌اند..... این همان کاخی است که حسن بیگ در آنجا بار می‌داد. به مسافت پرتاب تیر از کاخ یک طبقه دیده می‌شود که از بس بزرگ است هزار زن به راحتی می‌توانند در اطاق های گوناگون آن بسر برند..... این حرم در همان باغ است و سه مدخل دارد یکی رو به جنوب، دو دیگر رو به شمال و سه دیگر رو به مشرق. در جنوبی به شکل هلال و از آجر ساخته شده است اما بسیار بزرگ نیست و به باغ منتهی می‌شود و فاصله‌اش با کاخ به اندازه‌ی پرتاب تیر است.....

.....در سمت شمال باید از جایی معین که مانند نمازخانه است و آن را آجر فرش کرده و بر گردش کرسی‌هایی از سنگ مرمر نصب کرده‌اند گذشت. این مکان چندان بزرگ است که سیصد اسب در آن جای می‌گیرد و در زمان حسن بیگ امیرانی که به دربار می‌آمدند در اینجا پیاده می‌شدند. در اینجا دری است که به باغ در راهی که منتهی به کاخ پادشاهی می‌گردد.....» (بازرگان ونیزی، ۱۳۳۹، ۲۸۸ - ۲۹۰)

میدان صاحب آباد در دوره صفویه

شاه اسماعیل در سال ۹۰۷ در کاخ هشت بهشتی که سلطان یعقوب ساخته بود تاج گذاری کرد و خطبه به نام شیعه دوازده امامی قرائت کرد در این دوره بنای خاص و شاخصی در تبریز شکل نگرفت و تبریز توسعه زیادی نکرد و بدلیل اینکه بیشتر اوقات شاه اسماعیل در جنگ و جدال گذشت اثر شاخصی نتوانست بسازد. اما میدان صاحب آباد کماکان موقعیت سیاسی و اجتماعی خود را حفظ کرد و همانند گذشته محل تجمع و استقرار نظامی و مردم عادی بود.

همانطور که قبلاً نیز اشاره شد بازرگان ونیزی شاه اسماعیل را در میدان صاحب آباد تبریز در حال قاپوق اندازی دیده می‌نویسد: « حدود ۳ هزار نفر تماشاچی در میدان صاحب آباد گرد هم آمده بودند. در بخش ورودی این باغ که احتمالاً از سمت شمال باید باشد قصر بزرگ و سالن وسیعی وجود داشت که در آنجا غذا برای امرا آماده می‌کردند اما شاه اسماعیل برای خوردن طعام به کاخ هشت بهشت می‌رود.» (سفرنامه ونیزیان، ۱۳۴۹، ۴۲۲).

شاه اسماعیل بعد از استقرار در کاخ هشت و برقراری مذهب تشیع با امرای خود در میدان صاحب آباد به بازی چوگان پرداخت (یوسف جمالی، ۱۳۷۶، ۲۷۳). از نظر سیاسی توان گفت سیاست و مجازات نافرمانان در این میدان انجام می‌گرفت. شاه اسماعیل امیر دباج حکمران گیلان را به لحاظ تمرد در قفس آهنین از میان دو مناره

پایه‌گذاری و ایجاد و احداث هشت بهشت در درون باغ نصریه (صاحب آباد) را به سلطان یعقوب نسبت می‌دهند که ظاهراً در مدت هفت سال احداث شده است. مرحوم کارنگ در کتاب آثار باستانی آذربایجان به نقل از فضل‌الله روزبهان در تاریخ امینی که در سال ۹۳۵ هجری قمری در شرح رخدادهای سال ۸۸۸ ه. ق نوشته شده است، می‌نویسد: « غره محرم این سال فرخنده مآل نزول موبک مسرت انگیز در دارالسلطنه تبریز بود، جهان از فتنه آرامیده و ایام حوادث به آخر انجامیده و در این سال عمارت قصر هشت بهشت که در باغ صاحب آباد بنیاد افکنده بودند مکمل گشته بود و آن عمارتی است در وسط آن باغ همچو اورنگ فیروزه برافراخته، و صنع نیایش بر صورت مثنی و معاذی هر ضلع از خارج صفت و طاقی دلفریب، همچو ابروی محبوبان نظرگاه مردم صاحب کمال و مزین سطح مینو همچو صورت هلال، شعر:

تبارک الله از این طاق دلفریب که هست

نظرگه همه مردم چو ابروی خوبان

رسیده پایه قدرش به قبه مینا

گذشته رفعت سقفش ز گنبد کیوان

ز عکس هر گل نقشی که ساخت نقاشش

ستاره‌ای است در آینه فلک تابان» (کارنگ، ۱۳۷۴، ۱۷۳).

بازرگان ونیزی در زمان شاه اسماعیل از تبریز بازدید کرده و توصیفی کامل از کاخ‌ها و عمارت‌ها و بناهای حواشی میدان صاحب آباد ارائه می‌کند ولی تمامی کاخ‌ها و عمارت‌ها را به حسن پادشاه نسبت می‌دهد و این مطلب صحیح نمی‌باشد چرا که این آثار در ازمنه و در حکومت های شاهان مختلف شکل گرفته‌اند، توصیف این آثار برابر نوشته بازرگان ونیزی چنین است: «..... کاخ را در مرکز باغی بزرگ و زیبا نزدیک شهر ساخته‌اند که فقط نه‌ری آنها را در سمت شمال از همدیگر جدا می‌کند و در آن محوطه مسجدی زیبا ساخته‌اند که بیمارستانی غنی و سودمند بدان وابسته است. این کاخ را به زبان فارسی هشت بهشت خوانند که در زبان ما به معنی هشت بخش است زیرا به هشت بخش تقسیم شده و هر بخش به چهار اطاق و چهار اطاق انتظار منقسم گشته است و در مدخل هر اطاقی یک اطاق انتظار ساخته‌اند و بقیه کاخ عبارت است از گنبدی مدور و زیبا. این کاخ در زیر یک سقف ساخته شده است یا باید گفت که بنائی یک طبقه است و برای رسیدن به گنبد و اطاق‌ها و اطاق‌های انتظار فقط یک پلکان ساخته‌اند و راه ورود به اطاق‌ها و اطاق‌های انتظار از محوطه گنبد است. این ساختمان در طبقه‌ی همسطح زمین چهار مدخل دارد با بسیاری دیگر از اطاق‌ها که همه‌ی آنها به طرق مختلف کاشیکاری و تذهیب شده و چنان زیباست که مشکل بتوان کلماتی برای شرح و وصف آنها یافت. چنانکه پیش از این گفته‌ام این کاخ را در مرکز باغی بر روی صفتی ساخته‌اند یا بهتر است گفته شود که مصطبه را برای نمایش منظره‌اش برافراشته‌اند: ارتفاع صفت یک یارد و نیم و پنهایش پنج یارد و شبیه به

زیارت مشایخ عظام صفویه قدس الله ارواحهم نموده بدارالاشاد اردبیل رفتند. « (عالم آرای عباسی، ۱۳۵۰، ۱۰۰).

مینورسکی به نقل از علم آرای عباسی در مورد قلعه ساخته شده توسط عثمان پاشا آورده است: «عثمان پاشا برای دفاع از شهر به بنای قلعه مربعی آغاز کرد، طول باروهای آن ۱۲۷۰۰ ذراع بود بنای آن درسی و شش روز پایان پذیرفت محل قلعه را عالم آرادر داخل شهر، جای دولتخانه قدیم واولیا[چلبی] درحوالی خیابان شاه نوشته است. پادگان قلعه ۴۵۰۰۰ تن بود وجعفرپاشای اخته حاکم شهر معین شد...» (مینورسکی، ۱۳۳۷، ۵۳).

بعد از شاه طهماسب سلطان محمد مدتی را سلطنت کرد. در عالم آرای عباسی برخی از اتفاقاتی که بر اثر نافرمانی امیرخان ترکمان بوقوع پیوسته است و جدالهایی که در میدان صاحب آباد بین آنها صورت گرفته را ذکر می کند:

«... نواب جهانبانی چون نمی خواست که یکبارگی پرده از روی کار بردارند بجهت دفع حجاب او در میدان صاحب آباد که حریم خانه و قلعه او بود مجلس چوگان بازی و قاپوق اندازی طرح نموده بزم عشرت آراستند و جمیع امراء و اعیان و امیرزادگان قزلباش حاضر شده بلوازم سور و سرور و بهجت و خرمی پرداختند... امیر خان شب در دیوانخانه بسر برده روز دیگر در بالاخانه عمارت هشت بهشت جای او تعیین یافت...» (-)

نصوح مطراقچی

بعد از ارائه توصیفات تاریخی در مورد مجموعه صاحب آباد از زمان شکل گیری تا دوره صفویه در اینجا سعی شده با باز خوانی تصاویر تاریخی باقیمانده از مجموعه و تطبیق آن با توصیفات تاریخی طرحی کلی از مجموعه ارائه گردد، همانطور که ذکر گردید، جهانگردان زیادی در دوران مختلف از این باغ و میدان تاریخی دیدار کرده اند و نوشته هایی نیز از آنها بر جای مانده است ولی تنها دو تن از آنها تصویری کلی از تبریز تهیه کرده اند که به عبارتی قدیمی ترین اسناد تصویری موجود از تبریز می باشد. یکی از این اسناد مینیاتوری است که از نصوح مطراقچی عثمانی باقیمانده است مرحوم دهخدا در لغتنامه خود درباره این نویسنده آورده است؛ «نصوح بن قره گوز بن عبدالله.

مسجد حسن پادشاه آویخته و آتش زدند (نوابی، ۱۳۶۸، ۳۱۰). همچنین به لحاظ اهمیتی که میدان صاحب آباد داشت شاه اسماعیل برای نشان دادن عنایت خود تولید مسجد و مدرسه نصریه را به امیر عبدالوهاب از خاندان اوزون حسن واگذار می کند (عالم آرای عباسی، ۱۳۵۰، ۱۵۳). و چون ایام عاشورا فرا می رسد از طرف شاه اسماعیل در مسجد حسن پادشاه مجلس سوگواری برپا می شد (فلسفی، ۱۳۴۴، ۸۳). بعد از شاه اسماعیل پسر خرد سال او شاه طهماسب در ۹۳۰ هجری قمری بر تخت نشست وی نیز با توجه به جنگ و جدال های زیادی که با ازبکان و عثمانیان داشت توسعه چندانی در تبریز به وجود نیامد و کار عمرانی خاصی صورت نگرفت ولی در متون آمده است که مسجد سلطنتی خود را در ضلع شرقی میدان صاحب آباد برپا کرد: «... آثارش باروی بلده طهران و باروی مشهد مقدس و مطلا گردانیدن گنبد مبارک حضرت امام الجن و الانس و میل طلای سرگنبد و عمارات دولتخانه مبارکه دارالسلطنه قزوین و حمامات متعدد چهار بازار و باغ ارم تماماً موسوم به سعادت آباد که به لطافت و خوبی شهره جهان و نمونه ای از باغ جنان است و مسجدی در صاحب آباد تبریز...» (عالم آرای عباسی، ۱۳۵۰، ۱۲۴).

اما همین مسجد در حمله عساکر عثمانی تخریب و با خاک یکسان می شود و اثری از آن مسجد فقط به خاطر اینکه ساخته شاه طهماسب می باشد باقی نمی گذارند کاتب چلبی در کتاب جهان نما ضمن بحث از تبریز می نویسد: «در قسمت شرقی میدان - صاحب آباد - متصل به جامع سلطان حسن، مسجد مزین دیگری وجود داشت که چون بنایش از شاه طهماسب بود عساکر عثمانی جا به جا خرابش کردند.» (کارنک، ۱۳۷۴، ۹۰).

اما پس از عقب نشینی عساکر عثمانی در زمان شاه سلیمان صفوی نخستین تعمیر بر روی این مسجد صورت گرفت میرزا محمد ابراهیم وزیر آذربایجان در دربار شاه سلیمان عمارت فراوانی در تبریز تعمیر و بنا نمود. این مطلب از وقفنامه ای نوشته شده در مورخ ۱۰۹۰ ه. ق. بخوبی قابل استیفاء است. (وقف نامه ظهیریه) بعدها همین مسجد بر اثر زلزله سال ۱۱۹۳ ه. ق دوباره تخریب شد.

میدان صاحب آباد در این دوره و حتی بعد از انتقال پایتخت کماکان جایگاه خود را حفظ کرد بطوریکه همانند گذشته مراسمات اجتماعی و فرهنگی همچنان در این میدان برگزار می گردید. یکی از این مراسمات بازی چوگان می باشد که بر اثر حضور همایون، شاه هند بود که بدربار شاه طهماسب پناهنده شد. بعد از حضور همایون شاه، سلطان طهماسب نامه ای به والی تبریز می نویسد و از او می خواهد که از همایون بخوبی پذیرایی شود. اسکندر منشی در عالم آرای عباسی در این مورد می نویسد: «... در میدان صاحب آباد در نظر آن خسرو والائزاد چوگان بازی و اقسام بازیها و شیرین کاریها که رسم و معهود تبریزیان است کرده نشاط افزای خاطر شریف می شدند و از آنجا قصد

بازخوانی مینیاتور مطراقچی

جهت مینیاتور ترسیم شده به صورت شمالی - جنوبی و نگاه آن رو به شرق می باشد. رودخانه‌ی مهران رود از میانه شهر می‌گذرد و در چهارگوشه‌ی آن چهار تا از مهمترین بناهای تبریز ترسیم شده است در گوشه جنوب شرقی مسجد کبود، جنوب غربی مسجد جامع علی‌شاه، شمال غربی باغ صاحب آباد و در گوشه‌ی شمال شرقی ربع رشیدی در درون حصاری نمایان و مشخص است. تقریباً بخش اعظمی از مینیاتور ترسیم شده در شمال رودخانه مهران رود متصل به باغ صاحب آباد و مجموعه میدان اطراف آن می‌باشد. بر این اساس باغ صاحب آباد بصورت مستطیل چهارگوش نشان داده شده که در میانه آن بنای چند ضلعی دیده می‌شود که روی آن گنبدی گرد به رنگ فیروزه‌ای مشخص می‌باشد. این بنا باید همان کاخ هشت بهشت باشد که توسط سلطان یعقوب در سال ۸۸۸ هـ ق احداث شده است.

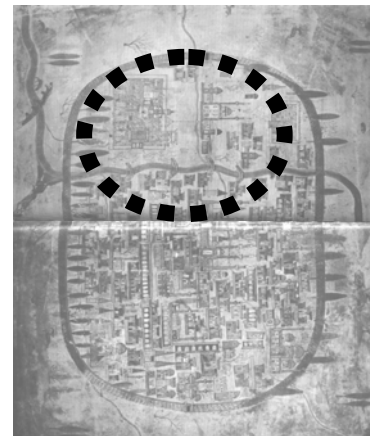
همان طور که از نوشته فضل الله روز بهانی می‌توان برداشت کرد عمارت هشت بهشت در درون باغ صاحب آباد در وسط آن احداث شده، و دارای رنگهای زیبای فیروزه‌ای به همراه طاق و صفا می‌باشد که در نثری شیوا و زیبا توسط ایشان توصیف شده است. این نوشته تا حدودی عمارت هشت بهشت که در مینیاتور هم مشخص شده را توصیف می‌کند اما جدای از آن توصیف بسیار دقیق و جامعی است که بازرگان ونیزی از این کاخ ارائه کرده است. این بازرگان در زما شاه اسماعیل به تبریز مسافرت کرده و ضمن توصیف کاملی از شهر به وصف باغ صاحب آباد پرداخته است بخشی از توصیفات وی مربوط به عمارت هشت بهشت کامل ترین توصیفی است که در متون تاریخی در مورد این بنا آمده است.

ظاهراً این بازرگان به اشتباه کاخ هشت بهشت را به حسن بیگ منتسب می‌کند درحالی‌که طبق متون این کاخ از محدثات سلطان یعقوب است مطابق نوشته این بازرگان بنای هشت دارای هشت وجه بوده که بر روی یک مصطبه ساخته شده بود و گنبد گرد فیروزه‌ای رنگ آنرا پوشش داده بود. اگر بنای موجود در مینیاتور مطراقچی را نیز مشاهده کنیم مشخصاً با توصیفات این بازرگان مطابقت دارد و می‌توان از روی این توصیفات مکان باغ صاحب آباد را اثبات کرد. در مقابل این باغ محوطه وسیع و بازی وجود دارد که در جهت‌های شمالی و جنوبی آن میل‌های به رنگ سفید ترسیم شده‌اند که به احتمال زیاد با توجه به توصیفات تاریخی از جنس سنگ بوده و کارکرد دروازه برای بازی چوگان که در این دوره رایج بوده و از متون قابل استخراج است.

در تصویر مینیاتور مسجدی در شرق میدان صاحب آباد و روبروی باغ صاحب آباد وجود دارد که با توجه به اینکه کاتب چلبی مسجد حسن پادشاه و شاه طهماسب را در جوار همدیگر معرفی می‌کند احتمالاً همان مسجد سلطنتی شاه طهماسب است.

اوراست: جمال الکتاب و کمال الحساب در علم حساب که به زبان ترکی به سال ۹۳۳ ق برای سلطان سلیم بن بایزید تصنیف کرده است» (دهخدا، ماده نصح).

این شخص از نزدیکان سلیمان قانونی، سلطان عثمانی بود که در لشکر کشی مابین سال‌های ۹۴۰ تا ۹۴۲ هجری قمری به ایران همراه وی بوده است و ضمن تهیه گزارشی از این لشکرکشی‌ها تصاویری از شهرهای مهم مابین این لشکر کشی ترسیم کرده است. این لشکر کشی از مسیر شهرهای خوی - تبریز - زنجان، سلطانیه. همدان، قصر شیرین. بغداد شروع و سرانجام از طریق تبریز خاک ایران را به قصد امپراتوری عثمانی ترک کرده‌اند.



شکل ۱ - محدوده باغ صاحب آباد در مینیاتور مطراقچی

آقای رحیم رئیس نیا کتاب بیان منازل اثر نصح مطراقچی را ترجمه و از قول مصطفی عالی افندی در مورد مطراقچی نوشته است: «در معرفی مطراقچی گفته شده که وی خطاط و نقاش بوده است. مصطفی عالی افندی نصح مطراقچی را مقدم و پیشوای اقدام خطاطان نو آور ولایت روم که در اسلوب ایرانی خط دیوانی تغییر تمام کردند و در رسم و هیئت آن نقل دلپذیر نمودند تا خواندن آن آسان گردد، دانسته وی را ماجد آن طرز به شمار آورده است و نمونه‌های خطش در معرض ارزیابی خط شناسان قرار دارد.» (مطراقچی، ۱۳۷۹، ۷۵).

کتاب بیان منازل که مینیاتورهای جریان لشکرکشی سلیمان قانونی در آن ترسیم شده بخشی از سلیمان نامه که این کتاب نیز بخشی از تواریخ آل عثمان می‌باشد و دارای سه بخش است که بخش اول آن اهداف لشکرکشی و نام‌های قلاع تصرف شده، بخش دوم تقسیم بندی اقلیم‌ها و بخش سوم مشتمل برنامه‌ها و تصاویر منازل مسیر لشکر کشی از استانبول تا تبریز و بغداد و بالعکس می‌باشد. مطراقچی شخصاً در لشکرکشی‌ها حضور داشته و خود این مینیاتورها را کشیده است و تا حدودی سعی کرده که این طرح‌ها به واقعیت نزدیک باشد. (مطراقچی، ۱۳۷۹، ۷۷).

«... در اطراف میدان بزرگ تبریز و مجاور آن بقیه آثار بناهای با شکوهی دیده می‌شود و چهار پنج مسجد را که در عظمت بنا بی نظیر هستند بخرابی واگذارده‌اند... در میدان بزرگ تبریز و مجاور آن یک مسجد عالی و مدرسه و قصری دیده می‌شود که همه خراب شده و در شرف انهدام هستند. همه این بناهای عالی متروک مانده‌اند... نزدیک همان میدان کلیسایی هم متعلق به ارامنه هست که خراب شده و می‌گویند سنت هلنا یکپارچه از چوب اصل صلیب را به آنجا فرستاده بود...» (سلطان زاده، ۱۳۷۶، ۵۳)

اگر تاریخ زلزله‌های حادث شده در تبریز را بررسی کنیم بوضوح خواهیم دید که تاورنیه بعد از زلزله وحشتناکی که در تبریز بوقوع پیوسته، به تبریز سفر کرده است.

مرحوم یحیی ذکاء تعداد زلزله‌های حادث شده بین سالهای ۱۰۵۰ تا ۱۰۷۵ هجری قمری را چهار زلزله به ترتیب در سالهای ۱۰۵۰، ۱۰۵۶، ۱۰۶۰، ۱۰۷۵ هجری قمری می‌داند که وحشتناک‌ترین آنها زلزله سال ۱۰۵۰ هجری قمری می‌باشد. اگر احتساب بکنیم که تاورنیه در آخرین سالهای حکومت شاه صفی به ایران مسافرت کرده است پس باید بعد از زلزله سال ۱۰۵۰ هجری قمری باشد و بدین ترتیب چون بخش اعظمی از شهر ویرانه بوده وی همه جا را بصورت خرابه و ویرانه معرفی می‌کند. در حالیکه هموطن او شاردن در سال ۱۰۸۲ هجری قمری در زمان سلطنت شاه سلیمان و زمانیکه میرزامحمد ابراهیم وزیر آذربایجان در دربار شاه سلیمان بوده به تبریز مسافرت کرده و ضمن ارائه طرحی کلی از تبریز آن را شهری آباد و با تجارتی فراوان و میدان مرکزی آنرا بزرگتر از میدان اصفهان معرفی می‌کند:

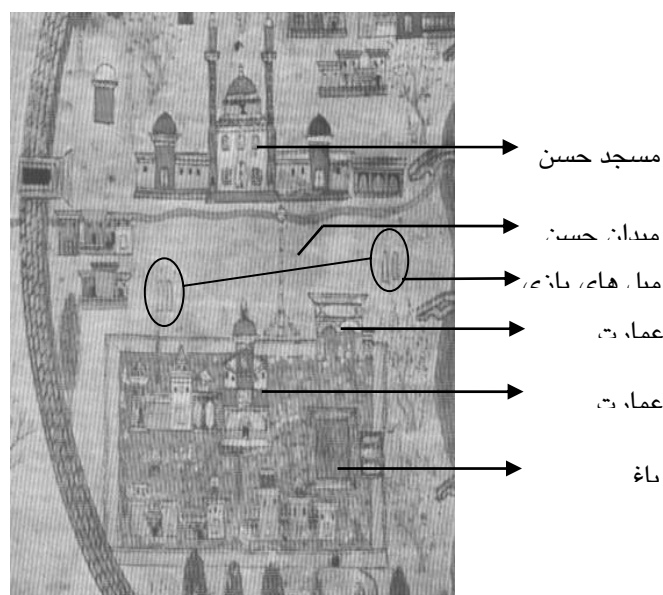
«میدان تبریز، بزرگترین میدانی بلاد عالم است که من دیده‌ام و خیلی بزرگتر از میدان اصفهان می‌باشد. ترکان در این محل چندین بار سی هزار عسکر برای جنگ آراسته‌اند. همه روزه شامگاهان این میدان انباشته از عامه مردم است که برای تفریح و تماشای نمایشاتی که در آنجا بمعرض تماشا گذارده می‌شود جمع می‌گردند. تفریحات میدان عبارتست از نمایشات شعبده بازان و بند بازان و مسخرگان و سوداگران، کشتی‌گیری و مصارعت و نبرد قوچها و گاو نرها و خواندن اشعار و سرودن داستانها و رقص گرگ؛ مردم از رقص این حیوان فوق العاده خوششان می‌آید، بطوریکه از صدها مسافت بعیده گرگهایی به شهر می‌آورند که بسیار خوب می‌رقصند، آنهایی که خیلی خوب تربیت شده‌اند، هر یکی پانصد اکو معامله می‌شوند. اغلب اوقات گرگان رقص سخت متغییر می‌شوند و عصیان می‌ورزند، در این مواقع اسکات و آرامش آنان مستلزم زحمات بسیار است. این میدان بزرگ در ساعات روز نیز خالی نمی‌باشد، و در حقیقت بازار انواع و اقسام خواربار و اشیاء کم قیمت بشمار می‌رود.

در تبریز یک میدان بزرگ دیگری هم وجود دارد که در مقابل قلعه‌ای مخروبه، موسوم به قلعه جعفر پاشا واقع شده است، حکایت می‌کنند که در گذشته این محل میدان تسلیحات قلعه بوده است، در این ایام مسلخ می‌باشد کلیه قطعات عظیم کوشت که در تمام نقاط شهر بفروش می‌رسد، در همین محل کشته و پوست کنده می‌شود» (شاردن، ۱۳۷۴، ۸ - ۴۰۷).

وی همچنین از میدان بزرگی در تبریز نام می‌برد که به احتمال زیاد با توجه به گراوری که از خود بجای گذاشته باید همان میدان صاحب‌آباد باشد وی در این باره آورده است: «میان میدانهایی که من در شهرهای مختلف دیده‌ام این میدان نزدیک قلعه جعفر پاشا واقع است.



شکل ۲ - تصویر باغ صاحب آباد در تصویر مینیاتور مطراچی



شکل ۳ - مینیاتور نصوص مطراچی از مجموعه

توصیف سیاحان فرانسوی از میدان صاحب آباد

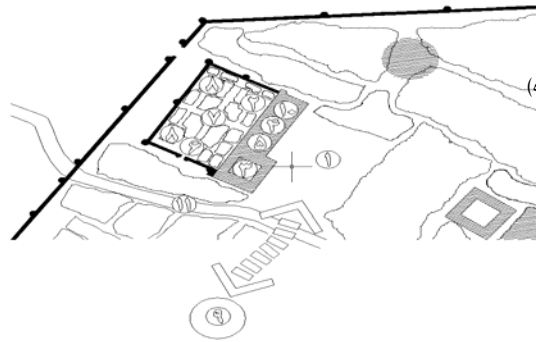
تاورنیه سیاح فرانسوی که در سفر خود به تبریز وصف کامل از موقعیت اجتماعی اقتصادی و فرهنگی تبریز و آثار معماری ارائه می‌دهد در این توصیف به بازارهای سرپوشیده و فعال تجاری اشاره می‌کند و اطلاعاتی از یک میدان بزرگ با بناهایی در اطراف آن ارائه می‌دهد، به نظر می‌آید میدان بزرگ مورد بحث تاورنیه باید همان میدان صاحب آباد باشد. البته این نکته هم نباید فراموش گردد که سفرنامه تاورنیه در مورد تبریز فاقد اسامی می‌باشد و در همه توصیف‌ها اسم بناها را نام نمی‌برد و حتی بناهای شاخص را بدون عنوان توصیف می‌کند.

تاورنیه در زمان شاه صفی به ایران سفر کرده بنابر تاریخ حکومت شاهان صفوی شاه صفی بین سالهای ۱۰۳۸ تا ۱۰۵۲ حکومت کرده است بین توصیف اسکندر منشی در عالم آرای عباسی مربوط به زمان سلطان محمد تا زمان حکومت شاه صفی ظاهراً این میدان رو به ویرانی و خرابی گذاشته است و این نشان از عدم توجه جدی به این میدان در زمان حکومت شاه عباس و شاه صفی بوده است.

تاریخی ذکر شده است بر اثر بی‌توجهی و عدم رسیدگی در طول تاریخ تخریب شده است و زلزله سال ۱۱۹۳ هجری قمری اندک آثار بجا مانده را با خاک یکسان کرد و حصار نجفقلی‌خانی املاک باغ و میدان صاحب آباد را از هم تفکیک کرد و تخریب دور تا دور حصار توسط عباس میرزا نایب السلطنه برای امنیت بیشتر محدوده حصار، تخریب بناهای صاحب‌آباد را تکمیل کرد و از آنها جز خاطره‌ای در تاریخ چیزی بر جای نگذاشت.

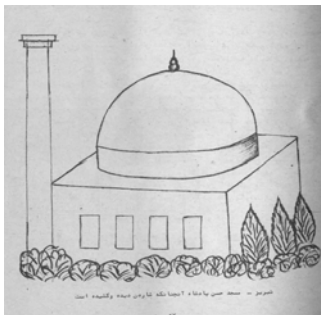
می‌گویند زمانی که قلعه آباد بوده این میدان مرکز تجمع تسلیحات و لوازم جنگ بوده است. اما اکنون کشتارگاه شهر است ... « (شاردن، ۱۳۷۴، ۴۷۹).

بعد از گفتار شاردن تا اوایل دوره قاجاریه متأسفانه اطلاعات و اخباری در مورد میدان صاحب‌آباد ذکر نشده است و از وضعیت آن گزارشی در دوره افشاریه و زندیه وجود ندارد. ظاهراً بناها و آثاری که قبلاً در متون

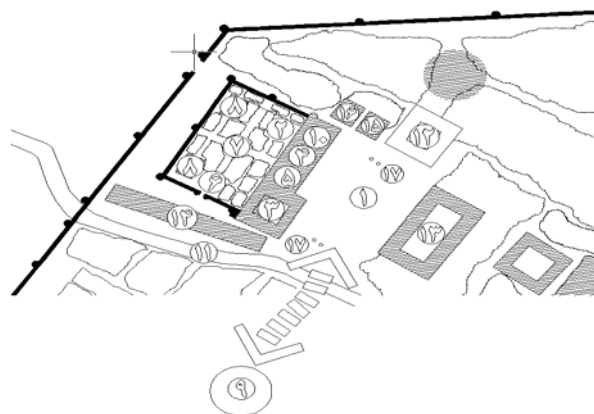


۱. میدان حسن پادشاه
۲. باغ نصریه (باغ زاویه حسن پادشاه)
۳. مسجد جامع حسن پادشاه
۴. کاخ مشرف به میدان حسن پادشاه
۵. دارالمساکین
۶. استخر درون باغ نصریه
۷. عمارت هشت بهشت
۸. محدثات درون باغ نصریه
۹. مسجد جامع و بازار تبریز
۱۰. مدرسه نصریه
۱۱. رودخانه مهران رود

شکل ۴- عناصر معماری میدان حسن پادشاه در دوره حکومت ترکمانان قویونلو



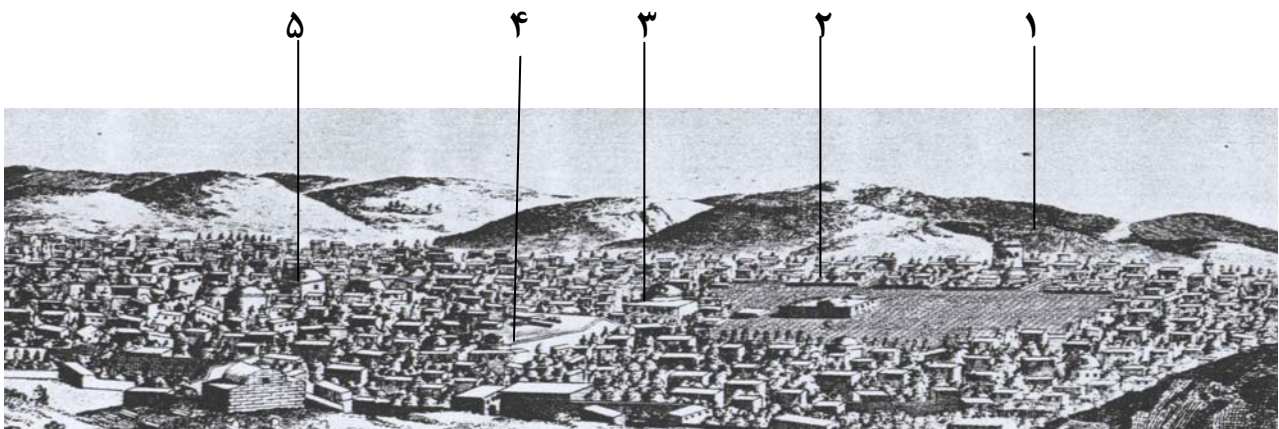
شکل ۶- مسجد جامع حسن پادشاه آنگونه که شاردن دیده و کشیده است. (ماخذ: مرحوم یحیی ذکا)



۱. میدان حسن پادشاه
۲. مجموعه جعفر پاشا (باغ صاحب آباد)
۳. مسجد جامع حسن پادشاه
۴. کاخ مشرف به میدان حسن پادشاه
۵. دارالمساکین
۶. استخر درون باغ نصریه
۷. عمارت هشت بهشت
۸. محدثات درون باغ نصریه
۹. مسجد و بازار تبریز
۱۰. مدرسه نصریه
۱۱. رودخانه مهران رود
۱۲. کلیسای سنت هلنا
۱۳. مسجد سلطنتی شاه طهماسب
۱۴. بازار شترجان
۱۵. مزار پیر رومی
۱۶. مزار سلطان حسین سبزی فروش
۱۷. میل دروازه میدان بازی چوگان

شکل ۵- عناصر معماری مجموعه صاحب آباد در دوره حکومت صفویان

- ۱- غازیانیه (شنب غازان) ۲- مجموعه جعفرپاشا (باغ صاحب آباد) ۳- مسجد حسن پادشاه
- ۴- مسجد سلطنتی شاه طهماسب ۵- مسجد جامع تبریز



شکل ۸- محدوده باغ صاحب آباد در طرح شاردن

نتیجه گیری

جداره سازی (همانند میدان نقش جهان) بوده است و تنها با قرارگیری عناصر معماری از قبیل مسجد، کاخ، بازار، بیمارستان و کلیسا در اطراف آن فضای میدان تعریف می شده است. ثالثاً جهت میدان کنونی شرقی و غربی می باشد و این در حالی است که طبق اسناد و مدارک جهت میدان اصلی به صورت شمال غربی - جنوب شرقی بود و از دوره قاجار و بعد از زلزله سال ۱۱۹۳ هجری قمری تغییر جهت پیدا کرده است.

بعد از بررسی مدارک، اسناد و متون تاریخی در مورد میدان صاحب آباد موارد زیر قابل نتیجه گیری است:
اولاً میدان کنونی در وضعیت موجود بافت تاریخی شهر تبریز میدانی است که بعد از زلزله سال ۱۱۹۳ هجری قمری ساخته شده است و این میدان در بخشی از فضای میدان اصلی ساخته شده است.
ثانیاً میدان حسن پادشاه فضای باز و بزرگی بود که به عنوان میدان مرکزی شهر در زمان حیات تاریخی خود در عرصه های مختلف شهری مانند سیاسی، فرهنگی، نظامی، اقتصادی، ورزشی و... فعل بوده است اما از نظر شکل و فرم فاقد هرگونه بدنه سازی و

:

" () "

" () "

" () "

" () "

" () "

" () "

" () "

" () "

" () "

" () "

" () "

" () "

" () "

" () "

" () "

" () "

" "

" () "

" () "

" "

" ()

" ()

" ()

" ()

" ()

" ()

" ()

" ()

" ()

" ()

" ()

Baykal Bekir Sitki(1957) ; "Uzun Hassan in Osmanli Karsi Kati Mucadeleye Hazirliklara ve Osmanli – Akkoyunlu Harbinin bas Lamasi " Belleten , XXI, (81-84) .

Roemer H. R.(1986); "The Turkmen Dynasties ", The Cambridge History of Iran ; Ed. Peter Jackson and Laurence Lochart ; Cambridge,V. 6.